

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال<sup>۱</sup>

علی ططری<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت سرزمین ایران به عنوان منطقه‌ای نزدیک به آب‌های آزاد و اقیانوس هند و حلقه اتصال شرق و غرب از دوره صفویه تا به امروز مورد توجه قدرت‌های غربی به‌ویژه روسیه و انگلیس بوده است. هدف روس‌ها در دستیابی به خلیج فارس و هندوستان و سیاست‌های انگلیسی‌ها در حفظ موقعیت و پایگاه خود در هند و خلیج فارس، عمده‌ترین دلایل نفوذ و دخالت این کشورها در سیاست‌گذاری دولتمردان عصر قاجاریه بود. رقابت آنها در اخذ امتیازهای سیاسی و اقتصادی در ایران موجب بروز تنش‌هایی می‌شد که در پی ضعف حکومت مرکزی، کشور را به صورت نیمه مستعمره درآورده بود. این تنش‌ها و نیز حضور قدرت‌های جدید از جمله آلمان در منطقه‌ای که بعدها خاورمیانه خوانده شد، سبب گردید روسیه و انگلیس بر سر منافع مشترک در ایران به توافق رسیده و آن را به مناطق نفوذ یکدیگر تقسیم کنند. این اتحاد در واقع، نقض استقلال و حقوق سیاسی دولت و ملت ایران بود که به رغم توجه دو طرف قرارداد که به استقلال و تمامیت ارضی ایران احترام می‌گذارند، بدون در نظر گرفتن خواسته‌های حکومت ایران به صورت مدون و در چارچوب قواعد خودساخته سیاسی به منافع ملی کشورمان دستبرد زدند.

با این توصیف، در این مقاله ضمن بیان پیشینه سیاست توسعه‌طلبانه انگلیس در ایران با تکیه بر اسنادی از آرشیو وزارت امور خارجه، زمینه‌ها و پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷ م. و نیز واکنش‌های دولت، مجلس شورای ملی نوپا و ملت ایران بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: ایران، انگلیس، روسیه، قرارداد ۱۹۰۷ م.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۴

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۶

<sup>۲</sup> مدیر مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی [Tatari.info@gmail.com](mailto:Tatari.info@gmail.com)

## مقدمه

ایران به جهت موقعیت سوق الجیشی همواره در طول تاریخ مورد هجوم اقوام مختلف به‌ویژه جهانگشایان و سلطه‌طلبان قرار گرفته است و کمتر دوره‌ای در آرامش بلندمدت به سر برده است؛ دوره ای که خود مرکز قدرت زمانه به شمار می‌رفت و با دیگر قدرت‌های پیرامونی در جدال بود. اما این یورش‌ها هیچ‌گاه ایران و ایرانی را در کام نابودی و فراموشی فرو نبرد، بلکه به دلیل فرهنگ غنی و استواری ایرانیان، هر بیگانه‌ای که به این سرزمین دست انداخت، دستگیر دامان پرمهر ایران گردید و در ژرفای فرهنگ و تمدن ایران فرو خفت. آنچه در این کشاکش‌ها نصیب ایرانیان شد، تجربه‌هایی تلخ و درس‌آموز از برخورد با شرق و غرب بود که باید فراروی آیندگان قرار می‌گرفت.

رویارویی ایران با غرب از دوره صفویه به بعد - به‌ویژه در یکصد سال اخیر - بخش بزرگی از تاریخ کشور را به خود اختصاص داده است. مناسبات ایران و غرب در دوره قاجار به دلیل رویکرد سیاست استعماری غرب اهمیت فراوانی دارد. موقعیت ایران به عنوان حلقه اتصال شرق و غرب، وجود استعدادهای اقتصادی (معادن، شیلات و محصولات کشاورزی) و همچنین ضعف دیدگاه و ناآگاهی دربار از وجود استعدادهای داخلی و شرایط سیاسی خارجی از مهم‌ترین عوامل توجه و بروز سیاست توسعه‌طلبانه و استعماری غرب در ایران عصر قاجار به شمار می‌آید. در پی قراردادهایی از جمله ترکمانچای (۱۲۴۳ق./ ۱۸۲۸ م.) که پس از جنگ‌های ایران و روس در دوره فتحعلی‌شاه بین دو دولت منعقد شد، روند سیاست‌گذاری روسیه و انگلیس در ایران به سوئی رفت که کشورمان را به شکل نیمه‌مستعمره در آورد. این جریان با اعطای امتیازهایی از سوی دربار به آن دو کشور و قراردادهایی میان طرفین ادامه یافت. در این میان، قرارداد ۱۹۰۷ م. بیش از هر زمان دیگر استقلال ایران را به چالش کشید.

دربار با اعطای امتیازها سعی داشت موازنه را بین روسیه در شمال و انگلیس در جنوب حفظ نماید. در پی این سیاست، برخی دولتمردان ایران طرفدار سیاست‌های روسیه (روسوفیل) و گروهی حامی سیاست‌های انگلیس (انگلوفیل) شدند. البته شماری اندک نیز بودند که اندیشه و تلاش خود را در ورود نیروهای جدید به عرصه سیاست ایران متمرکز کردند و ایجاد موازنه منفی را تنها راه خروج از بحران حضور روسیه و

انگلیس در ایران می‌پنداشتند، اما چندان موفق نبودند. بهترین نمونه‌های آن تفکر در دوره قاجار، قائم‌مقام‌فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر هستند. ورود مستشاران فرانسوی، آمریکایی و سپس آلمانی را می‌توان نخستین گام‌ها در به کارگیری نیروی سوم در سیاست‌گذاری ایرانیان دانست.

در اواخر سده نوزده و اوایل سده بیست میلادی، آلمان به قدرتی اروپایی مبدل شد. این کشور پس از کنگره برلن (۱۸۷۸ م.) به دلیل سیاست‌گذاری‌های بیسمارک<sup>۱</sup> توانست یکی از قدرت‌های قابل توجه گردد. جمعیت رو به افزایش، مهاجرت بی‌رویه به امریکا، تجارت در حال پیشرفت نیازمند بازارهای خارجی و کارخانه‌های صنعتی محتاج به مواد خام مهم‌ترین دلایلی بودند که دولتمردان آلمان را بدان اندیشه واداشت که به سیاست توسعه‌طلبی و تصرف مناطقی در بیرون از اروپا روی آورند - سیاستی که تا واپسین سال‌های سده نوزده میلادی انگلیس، روسیه و فرانسه یکه‌تاز آن بودند - به همین جهت و برخلاف نظر بیسمارک که داشتن مستعمرات را عامل تیرگی روابط آلمان با انگلیس می‌دانست، خاورمیانه مهم‌ترین گزینه برای دستیابی به اهداف دولت آلمان گردید. اما تا اواخر سده نوزدهم میلادی، آلمان به دلیل فقدان نیروی دریایی قوی برای مقابله با نیروی دریایی انگلیس و نزدیکی به متصرفات روسیه در اروپا، سیاست مسالمت‌آمیزی پی گرفت و از سوی دیگر، تقاضای دوستی و اتحاد روسیه و انگلیس را به‌طور جداگانه رد کرد. زیرا آلمان‌ها می‌پنداشتند که در صورت اتحاد با انگلیس، دشمنی روس‌ها را برخواهند انگیخت و از هجوم قشون بی‌شمار روسیه به خاک آلمان مصون نخواهند ماند. از سویی، اگر با روسیه متحد می‌شدند، متصرفات آنها در آفریقا و شرق دور (چین) به مخاطره می‌افتاد. بنابراین، با توجه به دشمنی دیرینه روسیه و انگلیس و نیز شرایط سیاسی حساس و قدرت نوپای آلمان در عرصه سیاست جهانی و اوضاع اقتصادی آن، بسیاری از دولتمردان آلمان از جمله فردریک هول‌اشتاین<sup>۲</sup>، تهدید انگلیس مبنی بر اتحاد با روسیه را جدی نگرفتند. اما دست‌اندازی روس‌ها بر شرق دور، افغانستان و ایران و همچنین پی‌گیری آلمان‌ها در نفوذ به خلیج فارس از طریق راه‌آهن برلن - استانبول - بغداد (۱۹۰۲ م.)، انگلیسی‌ها را واداشت که از جلب اتحاد با روس‌ها

---

<sup>۱</sup> Otto Bismark.

<sup>۲</sup> Friedrich Von Holstein.

دست بردارند. می‌توان گفت که گسترش نفوذ آلمان در شرق و به‌ویژه راه‌آهن برلن - بغداد هشدار برای انگلیس و روسیه بود و یکی از مهم‌ترین دلایل زمینه‌ساز انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م. بین دو رقیب سیاسی به شمار آمد. اگرچه روسیه و انگلیس نیز پیش از قدرت‌گیری آلمان، هر از گاهی به دنبال زمینه‌چینی برای دوستی و نزدیکی با یکدیگر بودند. اما در ابتدای سده بیست میلادی بیش از هر زمان دیگر موقعیتی برای هم‌پیمانی آن دو بوجود آمد که درباره ایران و آسیای مرکزی به توافق برسند.

از مکاتباتی که در رابطه با قرارداد ۱۹۰۷م. نوشته شد و جریان‌های پیش و پس از آن، اسنادی وجود دارد که بیانگر هدف روسیه و انگلیس در دست‌اندازی بر ایران بود. در این مقاله با ارائه بخش اندکی از این اسناد تلاش می‌شود که سیاست توسعه‌طلبانه انگلیس در ایران مورد بررسی قرار گیرد.

#### پیشینه سیاست توسعه‌طلبانه انگلیس در ایران؛ زمینه‌های قرارداد ۱۹۰۷م.

توجه انگلیس به ایران و زمینه‌سازی‌ها و کارکرد سیاسی آن برای به چالش کشاندن اوضاع به نفع اهداف توسعه‌طلبانه خود - به‌ویژه در تاریخ دوره قاجاریه - امری آشکار است. ایران از دو جهت عمده برای انگلیسی‌ها اهمیت داشت؛ نخست آنکه ایران پل ارتباطی مشرق‌زمین به‌ویژه هندوستان با دنیای غرب بود. هندوستان مهم‌ترین نقطه اتکای اقتصادی در شرق به شمار می‌رفت و حفظ و نگهداری‌اش به عنوان شاه‌رگ حیاتی آن دولت، جز این جنبه اقتصادی، جنبه سیاسی نیز داشت. سرزمینی که روس‌ها برای نفوذ به آن با سیاست‌های مرموز استعمار پیر مواجه بودند. به بیان دیگر: ایران وقتی برای انگلیس به عنوان مسئله‌ای جدی مطرح شد که منافع کمپانی هند شرقی در آسیا به علت علاقه بیشتر روسیه به هندوستان به خطر افتاد و همین امر بود که نمایندگان کمپانی هند شرقی و پادشاه انگلیس را در آغاز قرن نوزدهم میلادی به ایران کشاند و هم از آن زمان بود که انگلیس به انتخاب نماینده‌ای دایمی در ایران مبادرت کرد. در قرن نوزدهم و بیستم در طی هر دوره تاریخی، هر زمان که کشور ایران به وسیله روسیه تزاری مورد دست‌اندازی یا بهره‌برداری سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار گرفته است، ردپای انگلیس نیز به خوبی دیده می‌شود. (میراحمدی، ۱۳۸۷: ۳۶)

در این زمینه به نظر می‌رسد نوشته کرزن<sup>۱</sup> از زبان رالینسن<sup>۲</sup> بهترین نمونه دیدگاه انگلیسی‌ها درباره ایران و میزان اهمیت و توجه آنها به کشورمان باشد. کرزن در مورد ارتباط ایران با سیاست روس و انگلیس می‌نویسد:

سر. اچ. رالینسن در مقدمه رساله سیاستمداران خود نوشته است: امور سیاسی کشورهای طراز دوم آسیا مانند ایران انتظار نمی‌رود که در نظر خواننده انگلیسی حائز اهمیت سرشار نماید، اما جا دارد که در خاطر داشته باشیم که این سرزمین از لحاظ جغرافیایی، حد فاصل بین اروپا و هندوستان است و بعید می‌نماید که نقش عمده‌ای در تاریخ آینده مشرق زمین نداشته باشد. از این رو، وضع مردم آن و بنابراین سبک و سیاست دولت ایشان بیش از اندازه‌ای که متناسب با وسعت قلمرو شهریاری نسبت به نقشه عالم و یا شأن و مقام کنونی ایران در میان ملت‌های جهان است، مورد توجه و علاقه متتبعین دقیق واقع می‌شود. ایران ... سرزمینی است که خواه و ناخواه در سرنوشت امپراتوری انگلیس در شرق تأثیر خواهد داشت. بنابراین، بررسی‌های جدی سیاستمداران ما را با دقت و شکیبایی تمام و به خصوص بیطرفی و رعایت تام ایجاب می‌کند. (کرزن، ۱۳۵۰: ۶۹۹-۶۹۸)

دوم اینکه، خلیج فارس در جنوب ایران برای حمل و نقل موادخام به انگلیس و ورود کالاهای انگلیسی به سرزمین‌های شرقی بسیار مهم بود. سهم تجاری و اقتصادی انگلیس از خلیج فارس به اندازه‌ای بود که ناوگان نظامی دریایی در آنجا مستقر نمود تا از منافع مالی دولت و بازرگانان انگلیسی حمایت و پاسبانی کند.

بیشتر سیاستمداران انگلیسی بر این باور بودند که روسیه برای دسترسی به خلیج فارس یا باید با عثمانی وارد جنگ شود و یا از ایران بگذرد و ایران کمترین هزینه را برای رسیدن به آب‌های گرم جنوبی دربر داشت. کرزن در این باره می‌نویسد:

اشتهای حکومت تزاری در کار جهانگیری فقط به همان سامان و نواحی محدود نمی‌شود و چون به حد کافی از دست‌اندازی بر نیمی از تمام غنایم ایران در شمال خشنود نیست، نظری هم به جانب جنوب دارد و آرزومند یافتن راهی به خلیج فارس و اقیانوس هند است. ... [روسیه] در صدد است پایه قدرت بریتانیا را در جنوب ایران

---

<sup>۱</sup>. George N. Curzon.

<sup>۲</sup>. H. Realinson

سست و در کار دریا‌های جنوبی اعمال نفوذ کند و پایگاهی برای عملیات بحری خویش فراهم سازد. (همان: ۷۱۱)

با این دیدگاه انگلیسی‌ها به یافتن راهی برای دور نگاه‌داشتن دست روسیه و البته هر نیروی دیگر از جنوب ایران و خلیج فارس مصمم شدند. از سوی دیگر، برنامه آلمانی‌ها در کشیدن خط‌آهن به بغداد و راهیابی به خلیج فارس در اوایل سده بیستم میلادی، انگلیسی‌ها را بیش از هر زمان دیگری در تلاطم چاره‌جویی فرو برد و ایران صحنه مناسبات استعماری انگلیس واقع شد و تا آنجا پیش رفت که روسیه را در تقسیم ایران به مناطق نفوذ آن دو تحریک کرد و با دولتمردان روسی در انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م. هم‌پیمان شد. گزارش سفارتخانه‌های ایران از اخبار روزنامه‌های اروپایی به‌خوبی بیانگر اهداف سیاسی انگلیس و روسیه و نیز واکنش منفی آلمان نسبت به قرارداد ۱۹۰۷ م. است.

پیش از امضای قرارداد و به‌طور دقیق از سال ۱۳۰۹ ق. / ۱۸۹۱ م. روابط ایران و انگلیس رو به سردی گرایید و لغو قرارداد تنباکو مهم‌ترین عامل این انجماد به شمار می‌رفت. (محمود، ۱۳۶۲: ۱۱۱) تیرگی روابط و کاهش نفوذ انگلیس در دربار ایران، توجه دولتمردان انگلیسی را با حقیقتی تلخ مواجه ساخت و آن به خطر افتادن منافع کشورشان در ایران بود. از سوی دیگر، کاهش نفوذ انگلیس به ویژه در جنوب و خلیج فارس موجب پیشروی روس‌ها و ارتقای جسارت آنها در بسط نفوذ خود به تمام مناطق ایران می‌گردید.

اما روس‌ها که در پی وصیتنامه پتر<sup>۱</sup> تزار روسیه همواره به دنبال راهیابی به آب‌های آزاد بودند، جنوب، قفقاز و مناطق شمال اترک و ارس را با جنگ و تزویر به چنگ آوردند و البته هدف آنها دستیابی به خلیج فارس از یک سو و دسترسی به اقیانوس هند از طریق نفوذ در هندوستان از سوی دیگر بود. این خطری جدی برای انگلیسی‌ها به شمار می‌آمد. بنابراین، در ایران سیاستی را پی گرفتند که جلوی هر گونه نفوذ روسیه را به خلیج فارس و هندوستان مسدود نمایند.

پیش از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م. روسیه با سه مسئله مهم در عرصه سیاست داخلی و خارجی مواجه بود: ۱- شکست در جنگ با ژاپن (۱۹۰۵ م.) ۲- انقلاب ۱۹۰۵ م.

<sup>۱</sup>. Peter

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۱۷

که به ضعف روزافزون روسیه تزاری مهر تأیید زد. ۳- در صحنه سیاست جهانی، آلمان در راستای سیاست‌های بیسمارک توانست پیشرفتی روزافزون در اقتصاد و سیاست به دست آورد. آلمان‌ها که از نیروی دریایی قابل توجهی برخوردار نبودند، به زودی با طرح راه‌آهن برلن - استانبول - بغداد قصد آن داشتند که کالاهای خود را به بازارهای آسیا و از جمله خلیج فارس هدایت کنند و از مواد خام آنجا بهره‌مند گردند. این سیاست دولتمردان آلمان، منویات توسعه‌طلبانه روسیه و به ویژه انگلیس را - که در خلیج فارس منافع مستقیم داشت - تهدید می‌کرد. تهدید آلمان در شرق به اندازه‌ای بود که بیشتر نویسندگان تاریخ روابط سیاسی، آن را مهم‌ترین عامل اتفاق روسیه و انگلیس در قرارداد ۱۹۰۷ م. دانسته‌اند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۴۹: ۳۱۷-۳۱۶ / میراحمدی، ۱۳۸۷: ۴۹ / محمود، ۱۳۶۲: ۱۱۴)

به هر روی، زمینه‌های انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م. را می‌توان به‌طور کلی به دو دسته عوامل دور و عوامل نزدیک تقسیم نمود. مهم‌ترین عامل دور را باید رقابت دیرینه روسیه و انگلیس بر سر منافع مشترک اقتصادی و سیاسی در ایران، آسیای مرکزی و هندوستان دانست و عمده‌ترین عامل نزدیک را جز نفوذ آلمان در ایران و قدرت‌گیری روزافزون آن، باید در کاهش نفوذ انگلیس در دربار ایران در اواخر سده ۱۹ م. و افزایش نفوذ روس‌ها در دربار و دریافت امتیازهای اقتصادی و سیاسی چشمگیر برشمرد. این شرایط موجب شده بود که برخی دولتمردان روسی این‌گونه بیندیشند که:

می‌توان با تهدید دائمی هندوستان و خلیج فارس، انگلیسی‌ها را به کوتاه آمدن و امتیاز دادن در منطقه اروپا و مسائل مربوط به تنگه‌های دریای سیاه، بسفور و داردانل وادار کرد و شکست‌های پیشین روسیه در جنگ‌های کریمه و ... را به نوعی جبران کرد. (قادری، ۱۳۸۸: ۱۶)

این دیدگاه را شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین دلایل و یا زمینه‌های شکل‌گیری قرارداد ۱۹۰۷ م. دانست. اما حضور آلمان‌ها در خاورمیانه و برنامه‌ها و تلاش پیگیر سیاستمداران آلمانی برای گسترش نفوذ دولت متبوع‌شان در این منطقه و ایران که از اواخر سده نوزدهم میلادی روند فزاینده‌ای گرفته بود را نیز باید از مهم‌ترین عوامل تحریک انگلیسی‌ها در پیگیری سیاست نزدیکی با روس‌ها دانست. سیاست‌های دولت آلمان در ایران بزرگ‌ترین خطر بر سر راه منافع انگلیس به شمار می‌آمد.

در اواخر سده بیستم میلادی، دولت آلمان در صدد برآمد برای نفوذ در خاورمیانه پایگاهی در خلیج فارس ایجاد کند و در منطقه‌ای که انگلیس سال‌ها در آن بدون رقیب فعالیت سیاسی و اقتصادی انجام می‌داد، جایگاه مناسبی بیابد. در سال ۱۸۹۶م. شرکت ونک هاوس<sup>۱</sup> نمایندگی‌هایی در بنادر جنوبی ایران، از جمله در بندر لنگه تأسیس کرد و به تجارت صدف و مروارید پرداخت. سال بعد، کنسولگری آلمان در بوشهر افتتاح شد و در سال ۱۸۹۸م. ویلهلم دوم،<sup>۲</sup> امپراتور آلمان طی سفری رسمی به استانبول رفت و مورد استقبال سلطان عبدالحمید دوم، امپراتور عثمانی قرار گرفت. در نتیجه این سفر بود که ویلهلم دوم خود را حامی مسلمانان جهان اعلام کرد و در سال ۱۹۰۶م. در مسیر دریایی هامبورگ به امریکا رفت و آمد کشتی‌های بخار میان خلیج فارس، اروپا و امریکا شروع به فعالیت نمود. (ناظم، ۱۳۸۰: ۵۵) بدین ترتیب، "سرمایه آلمانی و افراد آلمانی وارد عثمانی" شدند و زمینه احداث خط آهن از برلن به بغداد فراهم شد. (پالمر، ۱۳۴۰: ۲۸۹) در این سوی نیز بازرگانان، صنعتگران و جهانگردان آلمانی به ایران آمدند. پزشکان، شیمی‌دانان، پرستاران آلمانی و برخی افراد وابسته به ارتش آلمان در بیمارستان دولتی ایران استخدام شدند و دانشکده‌ای آلمانی در ایران گشایش یافت. (ناظم، ۱۳۸۰: ۵۵)

افزایش فعالیت و به تبع آن، نفوذ آلمان در عثمانی و ایران، روسیه و به‌ویژه انگلیس را به هراس انداخت. به‌خصوص هنگامی که تبعه‌ای آلمانی به تأسیس بانک در ایران مبادرت ورزید و مهم‌تر از همه، استیمرچ،<sup>۳</sup> سفیر پیشین آلمان در ایران به سمت معاونت وزارت امور خارجه در برلن منصوب شد. اضطراب دولت روسیه از فعالیت‌های نفوذی آلمان در خاورمیانه و از جمله ایران در گفتگوی شکایت‌آمیز/یزولسکی،<sup>۴</sup> وزیر امور خارجه روسیه با بومپارد،<sup>۵</sup> سفیر فرانسه در سن پترزبورگ به‌خوبی دیده می‌شود. (ترک چی، ۱۳۸۸: ۳۷۴-۳۷۳) اما مهم‌ترین بخش نفوذ آلمان در منطقه خاورمیانه به

<sup>۱</sup>. Wonck Haus.

<sup>۲</sup>. Wilhelm II.

<sup>۳</sup>. Stemrich.

<sup>۴</sup>. Alexandr Izvolski.

<sup>۵</sup>. M. Bompard.



## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۱۹

دست آوردن امتیاز تأسیس راه آهن برلن - استانبول - بغداد بود؛ نفوذی که تا قبل از ۱۹۱۴ م. برای آلمان محقق نشد. (پالمر، ۱۳۴۰: ۲۸۹)

### انگلیس، بازیگردان اصلی قرارداد ۱۹۰۷ م.

بر اساس مطالب پیش گفته، خلیج فارس همواره جزو منافع غیرقابل گذشت و مورد توجه انگلیس به شمار می‌آمد و در این هنگام از دو جهت برای آن احساس خطر می‌کرد: روسیه و آلمان. روسیه به منظور ایجاد بندری در خلیج فارس در تلاش بود که از مشهد به سیستان و از آنجا، از راه بلوچستان و به وسیله راه آهن به خلیج فارس برسد. این موضوع از اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه روشن می‌شود.<sup>۱</sup> اما آلمان نیز به وسیله راه آهن بغداد به خلیج فارس می‌رسید و با توجه به روند پیشرفت و نفوذ روزافزون خود، بزودی می‌توانست رقیبی مهم برای انگلیس در خلیج فارس محسوب گردد. به همین دلیل، دولتمردان انگلیسی برای جلوگیری از نفوذ آلمان و روسیه در خلیج فارس تصمیم گرفتند با یکی از آنها متحد شوند. از آنجا که جلب نظر دولت آلمان بسیار دشوار می‌نمود، انگلیس به روسیه متمایل شد و سعی کرد بتدریج روس‌ها را به سوی خود جلب کند. اما با جدیت آلمانی‌ها در ساختن راه آهن برلن - بغداد این فکر در انگلیسی‌ها قوت گرفت؛ به‌ویژه زمانی که دولت انگلیس پیشنهاد های دولت آلمان را برای مشارکت سرمایه انگلیسی در احداث این راه آهن رد کرد، سیاستمداران انگلیسی بیش از پیش سیاست نزدیکی به روس‌ها را پی گرفتند.<sup>۲</sup> سفارت ایران در لندن، در گزارش خود به وزارت امور خارجه مبنی بر تلاش روسیه و انگلیس در تسریع انعقاد قرارداد به خاطر ترس از آلمان می‌نویسد:

به‌طوری که تلغرافاً عرض شد، بعضی از روزنامه‌جات لندن به سند اطلاع از محل موثق می‌نویسند که دولت آلمان یک ماه است با دولت علیه ایران در گفتگو است و قرار داده شده است که یک میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره قرض به ایران بدهد و در

<sup>۱</sup> ترک‌چی سندی از این آرشیو ارائه داده است که به‌خوبی بیانگر دیدگاه روسیه به خلیج فارس است. (برای آگاهی بیشتر نک: ترک‌چی، "واکنش آلمان به انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م. با تکیه بر اسناد"، ص ۳۸۴ - ۳۸۳)

<sup>۲</sup> اسناد در آرشیو وزارت امور خارجه مهم‌ترین منبع تصدیق‌کننده این نوشتار است. (برای آگاهی بیشتر نک: ترک‌چی، همان. همچنین علی ططری و محمد حسن‌نیا، قرارداد ۱۹۰۷ م. به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران، ج ۲ و ۱ (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷)

عوض بندری برای انبار زغال و یا سهولت برای زغال‌گیری در خلیج فارس تحصیل نماید. روزنامه‌جات و مردم انگلیس را نصیحت می‌دهند که هرچه زودتر قرارداد با روس را ببندد که هرگاه آلمان در ایران امتیازی حاصل نماید و مقامی پیدا کند، اسباب خطر بزرگ خواهد بود و رفعتش کار بسیار مشکلی خواهد بود. [جز این] منشاء این خبر باز روزنامه (استاندارد) بود و این خبر را از قول وقایع‌نگار پاریس خود به طبع رسانید. روزنامه مزبور نوشته است که این مطالب را از محل موثقی شنیده است و می‌نویسد که قرار استقرض معروض را (مسیونوز) با وزیرمختار آلمان داده‌اند... [که] شعبه‌ای نیز از راه‌آهن بغداد به کرمانشاه بسازد و این خط به تهران امتداد خواهد یافت و بعضی قسولگری‌های آلمان در کرمانشاه و شیراز و غیره احداث خواهد شد و آلمان این روزها در ایران نفوذی به هم رسانیده است. (ترک چی، ۱۳۸۸: ۳۸۵)

هر چند روزنامه/ندپاند/نس بلژ همکاری ایران در زمینه دادن امتیاز بندری در خلیج فارس و امتداد خط‌آهن بغداد به کرمانشاه و خلیج فارس را به آلمان جعلی دانست (همان: ۳۹۳)، اما به هر روی "تهدید آلمان در اروپا بود که باعث شد روسیه و انگلیس اختلاف خود را درباره ایران حل کنند. (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۵۶۹)

از سوی دیگر، در نخستین سال‌های سده بیست میلادی، گستره فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی آلمان در خاورمیانه تنها به ایران اختصاص نداشت، بلکه عثمانی را هم شامل می‌شد. بنابراین، روسیه و انگلیس از گسترش نفوذ آلمان از طریق عثمانی نگران شدند. در ۲۴ آوریل ۱۹۰۶ سفیر کبیر انگلیس در استانبول در نامه محرمانه خود به/دوارد گری<sup>۱</sup> می‌نویسد:

سفیر آلمان در استانبول علاقه خاصی به اختلافات مرزی ایران و عثمانی نشان می‌دهد و تعیین شخص دانا و پرقابلیتی مثل استیمرچ به سمت وزیر مختار آلمان در تهران نشان داد که آلمان‌ها در نظر دارند فعالیت‌های مهمی در ایران بنمایند و اگر زودتر روسیه و انگلیس در قضیه ایران قراردادی منعقد نسازند، بعید نیست که عن‌قرب با دخالت‌های دولت آلمان مواجه شوند. (مازندرانی، ۱۳۲۸: ۱۶)

افزون بر آن شکست روسیه از ژاپن و گرفتاری روسیه در منچوری، آن دولت را به رفع اختلافاتش با انگلیس - در زمینه منافی که در افغانستان، تبت و ایران داشتند -

<sup>۱</sup> Edward Gray.

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۲۱

واداشت. دولت انگلیس هم که در آفریقا گرفتار جنگ *ترانسوال* بود، برای حفظ موقعیت خود در تبت و افغانستان و نیز جلوگیری از پیشرفت نفوذ روسیه در ایران، زمینه‌های قرارداد ۱۹۰۷ م. را آماده کرد.

انگلیسی‌ها به منظور حفظ نفوذ و قدرت خود در خلیج فارس از هیچ عملکرد و سیاستی فروگذار نبودند. نمایش قدرت ناوگان آنها در خلیج فارس به سرکردگی کرزن، نایب‌السلطنه وقت هندوستان (آوری، ۱۳۶۹: ۲۵۴) و تلاش او در جذب و جلب نظر شیوخ خلیج فارس (محمود، ۱۳۶۲: ۱۱۹) و سپس صدور اعلامیه‌ای درباره خلیج فارس از سوی دولت انگلیس از جمله کارکرد انگلیسی‌ها در راستای اهداف سیاسی - اقتصادی شان در آن منطقه بود. اعلامیه دولت انگلیس درک بهتری از این موضوع ارائه می‌دهد که در بخشی از آن چنین آمده است:

دولت انگلستان برقراری یک پایگاه نظامی یا بندر بحری در خلیج فارس را از طرف هر دولتی [که] باشد ... اقدامی علیه منافع بریتانیای کبیر [می‌داند]، لذا دولت انگلیس با تمام قوایی که در اختیار دارد، در مقابل چنین اقدامی مقاومت خواهد کرد. (همان)

این اعلامیه به‌خوبی دیدگاه دولت انگلیس و میزان حساسیت آن را در مورد خلیج فارس بیان می‌کند. بنا براین، باید سیاستی در پیش می‌گرفت که از منافع خود در خلیج فارس دفاع می‌کرد و تا آنجا پیش رفت که در اتحاد با روسیه مصمم شد؛ اتحادی سیاسی که بیش از پیش ایران و ایرانی را در بند خودکامگی و استعمار هر دو قدرت اسیر می‌کرد.

در روسیه اما، روند تحولات در دولت و کابینه به‌ویژه از سال ۱۹۰۶ م. به بعد نشان از دگرگونی اوضاع به نفع طرح اتحاد با انگلیس داشت. تعدادی از مخالفان این طرح برکنار شدند و هواداران سازش با انگلیس جای آنها را گرفتند. برکناری *لمسدورف*<sup>۱</sup> از مقام وزارت امور خارجه روسیه و جایگزینی ایزولسکی در آن منصب مهم‌ترین و اصلی‌ترین نمونه این تحولات بود. از آن به بعد، تلاش‌های گری و معاونش *هاردینگ*<sup>۲</sup> و سرآرتور *نیکلسن*<sup>۳</sup> سفیر انگلیس در سن‌پترزبورگ و نیز همراهی و همکاری ایزولسکی و

<sup>۱</sup>. Lamsdorf.

<sup>۲</sup>. C. Harding.

<sup>۳</sup>. Arthur Nicolson.

بنکیندورف<sup>۱</sup> سفیر روسیه در لندن به ثمر نشست و مقدمات امضای قرارداد فراهم شد و به رغم مخالفت‌ها و انتقادهای سیاستمداران در هر دو کشور، سرانجام در بیست و یکم رجب ۱۳۲۵/ سی و یکم اوت ۱۹۰۷ قراردادی که به "قرارداد ۱۹۰۷م." شهرت یافت، در سن پترزبورگ پایتخت روسیه به امضای نمایندگان دو کشور رسید.

این قرارداد شامل سه بخش ایران، افغانستان و تبت بود. در بخش مربوط به ایران، هر دو دولت ضمن احترام به استقلال و تمامیت ارضی ایران! کشورمان را به دو منطقه نفوذ میان خود و منطقه‌ای حائل و بی‌طرف که زیر نفوذ دولت مرکزی ایران قرار می‌گرفت، تقسیم کردند. روس‌ها در شمال و انگلیسی‌ها در جنوب. منطقه نفوذ روسیه از قصر شیرین آغاز می‌شد، از اصفهان و یزد و خواف می‌گذشت و به مرز روسیه و افغانستان ختم می‌گردید. منطقه نفوذ انگلیس هم از ناحیه گزیک در مرز افغانستان آغاز می‌شد و با عبور از بیرجند و کرمان به بندرعباس منتهی می‌گردید. منطقه نفوذ انگلیس بعدها در جنگ جهانی اول و با انعقاد قرارداد پنهانی قسطنطنیه در سال ۱۹۱۵م. گسترش یافت و سراسر مناطق جنوبی ایران را دربر گرفت. این زمانی بود که "نفت" به عنوان مهم‌ترین ماده اقتصادی، رنگ سیاست به خود گرفته بود و اهمیت جنوب ایران و خلیج فارس را برای انگلیسی‌ها بیش از پیش آشکار می‌ساخت.

مفاد قرارداد بیانگر خواسته‌های هر یک از آن دو قدرت بود که در مناطق یکدیگر نفوذ نکنند و در امور اتباع خود و یا دولتی دیگر، هیچ امتیازی درخواست ننمایند. درباره منطقه بی‌طرف نیز موافقت کردند با امتیازاتی که از سوی دولت ایران به هر یک از آن دو و یا اتباع آنها داده می‌شود، مخالفت نکرده و در مورد امتیازات پیشین نیز به توافق رسیدند. اما بهتر آن است که مفاد پنج‌گانه قرارداد درباره ایران از یکی از اسناد آرشیو وزارت امور خارجه استخراج گردد و میزان زیاده‌روی و گستاخی آنها در به زیر سؤال بردن استقلال ایران سنجیده شود:

### قرارداد در باب ایران

نظر به اینکه دولتین انگلیس و روس متفقاً متعهدند که انتگریتیه و استقلال ایران را مراعات نمایند و محض آن که صمیماً مایل به حفظ نظم در تمام نقاط این مملکت و

<sup>۱</sup>. Benkindorv.

## قرارداد ۹۰۷ امیلا دی استعمار یا استقلال ۱۲۳

ترقی صلح‌آمیز آن می‌باشند و مایل‌اند که برای تمام سایر ملل بالسویه حقوق تجارتی و صنعتی همیشه برقرار بوده باشد و چون هر یک از دولتین مذکورین به ملاحظه ترتیب جغرافیایی و اکونومی (ثروتی) اهتمام مخصوصی در حفظ امنیت و نظم بعضی ایالات متصله یا مجاوره ایران به سرحد روس از یک طرف و به سرحد افغانستان و بلوچستان از طرفی دیگر و [ناخوانا] برای احتراز از هر گونه علل و اسباب حدوث اختلافی نسبت به مصالح خودشان در ایالات سابق‌الذکر ایران به موجب مدلول فصول ذیل با یکدیگر اتفاق نمودند:

### فصل اول

دولت انگلیس متعهد می‌شود که در آن طرف خطی که از قصرشیرین از راه اصفهان و یزد و خاخ به نقطه‌ای از سرحد ایران منتهی و سرحد روس و افغانستان را تقاطع می‌نماید برای خود یا کمک به رعایای خود یا معاونت به اتباع دول دیگر در صدد تحصیل هیچ‌گونه امتیاز پلتیکی یا تجارتی از قبیل اختیارات راه‌های آهن و سایر راه‌ها و بانک‌ها و تلگراف‌ها و حمل‌ونقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت انگلیس متعهد است که وجهاً من‌الوجه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت روس به مقام معاونت به مطالبه این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره برمی‌آید ابداً ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آنها دولت انگلیس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید.

### فصل دوم

دولت روسی هم متعهد است که در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از راه قازیک و بیرجند و کرمان رفته به بندرعباس منتهی می‌شود برای خود یا کمک به اتباع خود و یا معاونت به رعایای دول دیگر در صدد تحصیل هیچ‌گونه امتیازات پلتیکی یا تجارتی از قبیل امتیازات راه‌های آهن و سایر راه‌ها و بانک‌ها و تلگراف‌ها و حمل‌ونقل و بیمه و غیره برنیاید و نیز دولت روس متعهد است که وجهاً من‌الوجه به هیچ وسیله در اوقاتی که دولت انگلیس در مقام کمک به مطالبه این قبیل امتیازات در نواحی مزبوره

برمی‌آید ضدیت ننماید و مسلم است که اماکن مذکوره در فوق جزو نواحی است که در آن‌ها دولت روس متعهد است که در مقام تحصیل امتیازات مذکوره فوق برنیاید.

### فصل سوم

دولت روس متعهد می‌شود که بدون اینکه قبلاً با دولت انگلیس مشاوره و تفهیمی شده باشد به هیچ‌گونه امتیازی که به رعایای انگلیس در نواحی ایران واقع فیما بین خطوط مذکوره در فصل اول و دوم داده شود، ضدیتی نکند. دولت انگلیس نیز به همین نحو در باب امتیازاتی که به رعایای روس در همان نواحی ایران داده می‌شود، متعهد است. تمام امتیازات موجوده حالیه در نواحی مذکوره در فصل اول و دوم هم به حال خود برقرار خواهند بود.

### فصل چهارم

مسلم است که عایدات تمام گمرکات ایران به استثنای گمرکات فارس و خلیج فارس یعنی عایداتی که به ضمانت وجه اصل و منافع قروض دولت ایران از بانک استقراضی روس تا تاریخ امضای این قرارداد حالیه داده شده برای همان منظور کمافی‌السابق برقرار خواهد بود. نیز مسلم است که عایدات گمرکات ایران در فارس و خلیج فارس و همچنین عایدات عمل صید ماهی سواحل ایران در دریای خزر و همچنین عایدات پست و تلگراف برای ادای قروض دولت ایران از بانک شاهنشاهی که تا تاریخ امضای این قرارداد حالیه داده شده است، کمافی‌السابق برقرار خواهد بود.

### فصل پنجم

در صورت عدم ترتیب ادای وجه اصل یا پرداخت منافع قروض ایران از بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی تا تاریخ امضای این قرارداد و در صورتی که برای دولت روس لازم شود در محال عایداتی که برای مرتب رسیدن قروض از بانک استقراضی رهن شده و آن محال در نواحی مذکوره در فصل دوم این قرارداد واقع‌اند کنترلی بگذارد و نیز در صورتی که برای دولت انگلیس لازم شود در محال عایداتی که برای مرتب رسیدن قروض از بانک شاهنشاهی رهن شده و محال مزبوره در نواحی مذکوره در فصل اول این

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۲۵

قرارداد واقع‌اند کنترلی بگذارد دولتین انگلیس و روس متعهد هستند که قبلاً دوستانه با یکدیگر مشورت نموده متفقاً قرار اقدام به برقراری این کنترل را بدهند و از تمام مداخلاتی که برخلاف اصول و اساس این قرارداد حالیه است، احتراز جویند.

در سنت پترزبورگ نخستان به انجام رسید. ۳۱ - ۱۸ اوت ۱۹۰۷

امضا: نیکلسن

امضا: ایزولسکی (ططری، ۱۳۸۷: ۱۴۴-۱۴۲)

اما دیدگاه دولتمردان و سیاستمداران انگلیسی در مورد طرح اتحاد انگلیس با روسیه در آسیا یکسان نبود؛ برخی موافق و شماری مخالف بودند. موافقت‌ها و مخالفت‌ها حتی پس از امضای قرارداد ۱۹۰۷ م. مهم‌ترین مباحث گفتگوی محافل سیاسی انگلیس بود. این موضوع در نامه‌ای از سفارت ایران در لندن به وزارت امور خارجه درباره مذاکرات نمایندگان مجلس اعیان انگلیس درج شده است:

سفارت سنیه

لندن

ترجمه مذاکرات مجلس لردها در باب قرارداد روس و انگلیس (۱۱ فوریه ۱۹۰۸)

(لرد کرو)<sup>۱</sup> رئیس مجلس شورای وزرا بعد از (لرد لانزدون)<sup>۲</sup> برخواسته در دفاع قرارداد، همان نوع دلایلی که طرفداران دولت ذکر نموده بودند، ذکر کرد. من جمله گفت که باید تمام قرارداد را ملاحظه نمود و غیره و غیره. در باب ایران این‌طور بیان کرد: (لرد کورزن) سؤال کرد که باید دید عقیده ایرانی‌ها در باب این قرارداد چیست از طرف ایران پرستستی در این باب نشد و در این چند روز آخر، یکی از وزرای بسیار محترم معروف ایران عقیده خیلی خوبی در باب قرارداد ذکر نموده است. عقیده‌اش این است که اشکالات مالی ایران بیشتر به واسطه رقابتی است که بین روس و ما در ایران بود و اگرچه آن وزیر نگفت، ولی من از بیاناتشان همچو استنباط می‌کنم که مقصودشان این است که اثر این رقابت این بوده است که در عوض اینکه استعدادات ایران را ترقی بدهند برای فایده خود به کار می‌بردند. (لرد میدلتون)<sup>۳</sup> در ضمن نطق خود گفت که اگر انگلیس می‌خواست قرار مسئله استقراض را با ایران بدهد، می‌توانست تقریباً تمام آنچه

<sup>۱</sup>. Crewe.

<sup>۲</sup>. Lansdowne.

<sup>۳</sup>. Mideltowne.

حالا تحصیل نموده‌ایم به طور شرط استقراض تحصیل نماییم، بدون این که در اشکالات مملکتی با روس طرف شویم. شاید هم این صحیح باشد ولی اگر آن طور شده بود، چطور می‌توانستیم اعتراض نماییم به این که ایران قرارداد علیحده‌ی که بیشتر برای ما مضر باشد با روس بگذارد. لرد کورزن نفوذی که روس در ایران به هم رسانده بود، حقیر می‌پندارد. به قدری که راجع به تجارت است راه‌آهن ماورای خزر است که مسکو و سایر مراکز بزرگ تجارتي را به ایران متصل می‌کند. دیگر این که، روس با مخارج گزاف سه راه بسیار خوبی از سرحد خود به طهران و نقاط دیگر ساخته است و سه‌میلیون لیره به ایران قرض داده است. در باب مقام نظامی روس، راه‌آهن ماورای خزر البته آن مقام را مستحکم نموده است. به علاوه یک‌هزار و پانصد نفر قزاقی که در ایران هستند، فقط در تهران نیستند و در تمام نقاط ایران تقسیم شده‌اند. تمام این چیزها قدرت و نفوذ بزرگی به روس می‌دهد و انصاف نیست کسی بگوید که وقتی قرارداد بسته شد ما در مقامی بودیم که شرایط خود را به زور به روس بقبولانیم. در باب جنوب البته ما در آنجا استیلا داریم، ولی نمی‌شود گفت که روس در آنجا نفوذی ندارد. عقیده من این است که تجارت روس طبعاً مایل به بسط به طرف جنوب است. روس به خط جهازاتی که به خلیج فارس می‌روند کمک پولی می‌کند و نیز در بوشهر و در اصفهان قنصل جنرال و در نقاط دیگر جنوب، قنصل‌ها معین نموده است. زمانی که (لرد کورزن) فرمانفرمای هند بود، گمان می‌رفت که بشود قراری داد و دولت هند عقیده خود را ذکر نمود در باب دایره‌ی که روس در آن نفوذ پلتيکی و تجارتي دارد. آن دایره از بعضی جهات برای ما صرفه‌اش کمتر از دایره‌ای بود که در این قرارداد حالیه معین شده است. اصفهان جزو آن نبود، ولی راه تجارتي انگلیس از خانقین الی تهران را در جزو داشت.

(لرد کورزن) برخواسته [و] گفت: به کدام عقیده دولت هند اشاره می‌کنید؟

(لرد کرو): اشاره به راپورتی که رسیده بود، می‌نمایم.

(لرد کورزن): به چه شکل بود آن راپورت؟

(لرد کرو): برای آن که این سؤال را جواب بدهم، باید قبل از وقت اعلام نمایم.

(لرد کورزن) اعتراض نمود به این که (لرد کرو) محض این که بر ضد او حرفی زده باشد، اشاره به اظهار عقیده نمود که نمی‌تواند بگوید چگونه بوده و در اصل آن شک دارد و یقین ندارد که من آن اظهار عقیده را نموده‌ام؛ ولی می‌گوید که در عهد فرمانفرمایی من از طرف دولت هند شده است.



## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۲۷

(لرد کرو): حاضر نیستم بگویم که تا چه اندازه لرد کورزن مسئول آن اظهار عقیده بوده است. هر گاه بخواهند که نسخه‌ای از آن راپورت به پارلمنت داده شود، البته موقعی را برای این کار به دست خواهیم آورد. (لرد کورزن اظهار رضا و تمجید نمود). حدی که در آن موقع دولت هند معین نمود، از بعضی جهات بدتر از حد حالیه بود. آن حد، یزد را (که لرد کورزن برای آن اشک ریخت) در جزو داشت و از وسط کرمان به نقطه‌ای در شمال سیستان می‌رفت. پس آن حد نه فقط وسیع‌تر از حدی بود که حالا برای روس معین شده است، بلکه قسمت بزرگی از سرحد افغان را که حالا جزو دایره انگلیس است در جزو داشت. البته لرد کورزن حق دارد بگوید که آن تکلیف را دولت هند در صورتی می‌نمود که تمام مابقی ایران در دایره انگلیس باشد. شاید این‌طور باشد، ولی ضمناً دولت اعلیحضرت پادشاه را عقیده این بود که فائده بی‌طرف نمودن (چنانچه بی‌طرف شده است) تمام سرحد افغانستان خیلی بیش از فائده این قبیل ملاحظات بود. دولت قبول ندارد که دایره بی‌طرف ضرر داشته باشد، گاهی ذکر از تقسیم ایران شده است. همه می‌دانند که همچو چیزی نیست. مقام تجارتي ما در ایران، در واقع به هیچ وجه بسته به این قرارداد نیست و بسته به معاهدات تجارتي است که با آن ملک داریم و عقیده دولت این بود که داشتن این دایره بی‌طرف مابین دو دایره نفوذ واضح است، مفید است و رقابت دولتین در آن دایره فقط تجارتي است. در باب خلیج فارس اشاره شد که آیا ممکن نبود قول قطعی صحیحی در این باب از روس گرفت؟ راستش این است که وزیر امور خارجه روس به سفیر کبیر ما مقیم پترزبورغ نوشته داده است و در آن نوشته قبول دارد که روس حرفی در مقامی که ما در خلیج فارس داریم، ندارد. مقام ما در خلیج فارس خیلی شبیه است به مقامی که روس در نقاط شمالی سرحد ایران دارد؛ مقامی است که طبعاً و عقلاً برای ما معین شده است. (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن: ۱۱ فوریه ۱۹۰۸)

همچنین، مطابق گزارش‌های سفارت ایران در لندن از واکنش مخالفان قرارداد ۱۹۰۷ م. در انگلیس، می‌توان نگرانی آنها از نزدیکی روس‌ها به هند و خلیج فارس را دریافت. در یکی از این گزارش‌ها آمده است که:

## استخراج تلگراف رمز از لندن

حضرت مستطاب اجل اشرف مشیرالدوله، دیشب لورد<sup>۱</sup> کرزن در مجلس لردها نطق مفصلی در ایراد از قرارداد روس و انگلیس نمود و گفت: به واسطه این قرارداد تمام منافی که در عرض صد سال انگلیس تحصیل نموده بود از دستش رفته [است]. نقاطی که جزء دایره روس شده است، اغلب نقاطی هستند که تجارت و منافع انگلیس در آنجا زیاد بود و همیشه جزء دایره انگلیس محسوب می‌شدند و در همسایگی و مجاورت به خاک روس نیستند. دایره انگلیس اهمیت تجارتي و ثروتي ندارد و خیلی مختصر است. راست است که سیستان اهمیت استراتاجیک [استراتژیک] دارد، ولی محض خاطر سیستان، دولت انگلیس از تمام ایران صرف نظر نموده و اگر گمان می‌کنند که ملاحظه استراتاجیک انگلیس منحصر به سیستان است، سهو کرده‌اند. منافع دیگر در ایران خیلی داشتیم که تمام از دست رفته است. دولت اشتباه بزرگی کرده است که خلیج فارس را جزء قرارداد نکرده [است]. روس‌ها بعد از آن که قوتی به هم رساندند، توجه خود را صرف آباد کردن دایره خود خواهند کرد و عن‌قربیب خواهیم دید که راه‌آهن‌های روس به یزد و اصفهان خواهند رسید و اگر بخوانند این راه‌آهن‌ها را به خلیج فارس امتداد بدهند، به موجب قرارداد نمی‌توانیم ممانعت نماییم آن وقت استیلای انگلیسی‌ها کجا خواهد بود و از استقلال ایران چه باقی می‌ماند؟ این قرارداد [ناخوانا] است از بدی به خود ایرانی‌ها نموده است و سلب اعتمادشان از انگلیس شده است. دولت انگلیس که این همه رعیت مسلمان دارد، نباید با ممالک مسلمان‌ها این‌طور رفتار نماید و بدون مشورت با آن‌ها مملکتشان را قسمت نماید. این‌که می‌گویند قرارداد مانع از این شد که روس در این اغتشاش ایران از مداخله خودداری نماید، غلط است. اگر اغتشاشات طول بکشد خودداری نخواهد کرد. معاون وزارت خارجه در - [ناخوانا] قرارداد گفت: خیلی نقشه‌ها برای ترقی ایران کشیده شد، ولی همه بی‌نتیجه مانده [است]. بالاخره دولت لازم دید که دست از رقابت با روس بردارد و روابط خود را با او بر اساس محکم واضحی بگذارد. در باب دایره روس جوابش این بود که کلیه قرارداد را باید ملاحظه کرد و دید که در عوض حصه<sup>۲</sup> روس، ما چه فواید برده‌ایم. در رفع مسائل معوقه و قطع رقابت با روس را

<sup>۱</sup>. اصل: (در همه موارد) لورد.

<sup>۲</sup>. حصه: سهم، قسمت.

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۲۹

در آسیا نمودیم. به عقیده اهل خبره، آنچه برای انگلیس لازم بود، داشتن سیستان و کرمان و بندرعباس بود؛ محض اینکه روس نتواند به بندرعباس و یا به نقطه‌ای در شرق آن راه‌آهن بسازد و این مقصود تحصیل شده [است]. ایراد دیگر این است که چرا گذاشتیم راه‌آهن تجارتي که از بغداد به خانیقین و همدان می‌رود، در دایره روس بیفتد. اگر می‌خواستند آن نقاط را از دایره روس خارج نمایند، این قرارداد سر نمی‌گرفت. زیرا که روس می‌خواهد خط‌های راه‌آهن خود را در ایران با آن راه وصل نماید و دیگر اگر ما مانع می‌شدیم که این راه‌آهن به دست روس بیفتد، دولت دیگر که در راه‌آهن بغداد دخیل است، به میدان می‌آمد و لازم می‌شد که انگلیس با ضدیت متفق آن دو دولت مقاومت نماید. روس‌ها هم دنباله این مباحثه را خواهند گرفت.

[امضا]: مهدی

۶ محرم ۱۳۲۶ (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن ۶ محرم ۱۳۲۶)

همچنین در تحلیل‌های سفارت ایران در لندن کارکرد سیاسی و اقتصادی انگلیس در یکصد سال پیش از آن در خلیج فارس، میزان اهمیت آن منطقه و دیدگاه انگلیس در این رابطه به‌خوبی روشن شده است.

تلگراف دیگری از همان سفارتخانه در ۱۴ محرم ۱۳۲۶ برای مشیرالدوله، وزیر امور خارجه وقت فرستاده شد. در این تلگراف وزیر امور خارجه انگلیس درباره قرارداد ۱۹۰۷ م. و مقاصد و منافع انگلیس از برقراری آن، تأکید در حفظ منطقه سیستان در دست انگلیسی‌ها و نیز لزوم انعقاد قرارداد به منظور جلوگیری از درگیری روس و انگلیس بر سر منافع مشترک در ایران چنین گفته است:

استخراج تلگراف رمز از لندن

حضرت مستطاب اجل مشیرالدوله، قرارداد روس و انگلیس دیروز در مجلس وکلا مباحثه شد وزیر امور خارجه در فقره قرارداد گفت: یکی از جهت‌های ختم قرارداد وضعی بود که در ایران پیش آمده بود؛ وقتی که وزرای حالیه سر کار آمدند اگر قرارداد نبود، یقیناً معارضه بین دولتین می‌شد و با اوضاع حالیه ایران یقیناً هر دو دولت در امور ایران مداخله می‌کردند. انگلیس طمعی به ایران ندارد و اگر داشت، دو سال قبل که روس مشغول بود، می‌توانست همه کار بکند. دایره [ای] که انگلیس برای خود معین نموده است، بیشتر استراتاجیک است و نه تجارتي و قصه عمده داشتن سیستان است؛ زیرا که

هند از طرف سیستان است. وزیر امور خارجه به بیاناتی فهماند که با وجود این منافع و نفوذی که روس در عرض بیست سال آخر در ایران به هم رسانده است، نمی‌شد به غیر آنچه به او داده شد، داده شود. اگر این موقع را برای ختم قرارداد از دست داده بودیم، شاید دیگر موقعی به دست نمی‌آمد و اگر این موقع از دست رفته بود، ببینید در ایران چه واقع می‌شد. اوضاع آنجا اسباب می‌شد که مداخله نماییم. نمی‌توانیم بگوییم که خطر مداخله در ایران به کلی رفع شده [است]؛ با اشکالات داخلی و اشکالات در سرحد عثمانی هیچ‌کس به‌طور یقین نمی‌تواند بگوید چه واقع خواهد شد، ولی خطر مداخله از طرف ما و روس خیلی کم شده است. این که گفته شده که به‌واسطه قرارداد به منافع ایران صدمه خورده است، صحیح نیست. در این مذاکرات از دایره روس و انگلیس ذکر شده است، ولی نباید فرض کرد که مقصود از دایره، تقسیم پلتيکی است. دایره‌ها فقط حد منافع دولتین را معین می‌نماید به هیچ‌وجه برخلاف استقلال و پادشاهی ایران نیست. هر گاه چنانچه امروز ایران خود بتواند معماهای کونتی‌توسین خود را که حالا آن قدر مهم و مشکل شده [است]، حل نماید و بعد از سال‌ها سوء حکمرانی و فساد، به‌واسطه مشروطیت [ناخوانا] قوی‌تر درست‌تری قرار بشود، در آن صورت من می‌گویم که وسیله او برای حل مشکلاتش به واسطه این قرارداد بهتر شده است.

[امضا]: مهدی ۱۴ محرم ۱۳۲۶ (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش سفارت ایران در لندن: سال ۱۳۲۶)

پیش از امضای قرارداد ۱۹۰۷م. در گرماگرم بحث دولتمردان و سیاستمداران روسیه و انگلیس - اگر چه هر یک، وجود مناظرات و قصد خود از اتحاد و عقد قرارداد میان روس و انگلیس را پنهان می‌داشتند و حتی کتمان می‌کردند - مطبوعات اروپا از جمله روزنامه‌های آلمان از اتحاد قریب‌الوقوع آنها گزارش‌هایی منتشر نمودند. علاوه بر این روزنامه‌ها که تا بعد از امضای قرارداد نیز گزارش‌هایی درباره آن چاپ کردند، نامه‌ها و تلگراف‌هایی که از سفارتخانه‌های ایران در اروپا، به‌ویژه از لندن به وزارت امور خارجه فرستاده می‌شد، منابعی مهم در بررسی اوضاع سیاسی و فضای دیپلماسی زورمدارانه روسیه و انگلیس به شمار می‌آیند. (ططری، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۰ و ۱۲۱) در این میان، کارگزار مرکزی خراسان و سیستان به تاریخ نیمه شعبان ۱۳۲۵ درباره مطالب مربوط به قرارداد روس و انگلیس مندرج در روزنامه‌ای در لندن گزارش می‌دهد که:

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۳۱

در روزنامه لندن، مفاد عهدنامه اتفاقیه روس و انگلیس را این طور انتشار داده‌اند که جهات شمالی و غربی ایران تا خانقین با روس‌ها و جهات جنوبی با دولت انگلیس است که طرفین بدون رضایت یکدیگر و اجازه اقدامی نمی‌توانند بنمایند. (آرشیو وزارت امور خارجه، گزارش کارگزاری مرکزی خراسان و سیستان و بلوچستان : ۱۵ شعبان ۱۳۲۵)

نامه‌های دوستانه/سپرینگ رایس<sup>۱</sup>، وزیرمختار انگلیس به مشیرالدوله، وزیر امورخارجه ایران بیش از آنکه حاوی توضیحات روشن درباره قرارداد باشد، متنی توجیه‌کننده است و حکایت از ضعف دیپلماسی ایران و ناآگاهی برخی دولتمردان ایرانی از جریان‌های سیاست بین‌الملل دارد. او به جای توضیحی که باید درباره قرارداد به مشیرالدوله ارائه دهد، نوشت:

فدایت شوم، در باب شهرت این‌که انگلستان و روسیه در خصوص مصالح خودشان در ایران مشغول مذاکرات هستند. جناب اشرف ارفع از روی محبت با دوستدار صحبت فرمودند و دوستدار مراتب را به اولیای دولت متبوعه خود اطلاع داد. جناب مستطاب اجل سر ادوارد گری به دوستدار دستورالعمل داده‌اند که برای این اظهارات صادقانه که فرموده‌اید، تشکر نمایم و جواباً به جناب اشرف اطمینان دهم که اگرچه دولتین انگلیس و روس لزوماً در باب تلگراف روس و استقراض و سایر اتفاقات مجبور بوده‌اند مذاکرات نمایند، ولی هرگز در باب هیچ فقره که به هیچ‌وجه مضر استقلال و انتگریته ایران باشد مذاکره نکرده‌اند.

زیاده تصدیع نمی‌دهد. شهر شعبان ۱۳۲۴ (ططری، ۱۳۸۷: ۱۱۵)

به هر روی، خبر انعقاد قرارداد روسیه و انگلیس و متن فارسی و فرانسه آن در پانزدهم شعبان ۱۳۲۵/ بیست و چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ از سوی سفارت انگلیس در تهران به وزارت امورخارجه ایران داده شد. (همان: ۱۴۴-۱۴۲) پیش از آن نیز سفارت روسیه در تهران در دوم شعبان ۱۳۲۵/ یازدهم سپتامبر ۱۹۰۷ در نامه‌ای به شماره ثبت ۱۲۷۶ امضای قرارداد را به وزارت امورخارجه ایران اطلاع داده بود. (همان: ۱۳۶-۱۳۵)

در این صورت و با توجه به عمق فاجعه سیاسی که برای ایران اتفاق افتاده بود و به رغم گزارش‌هایی که حتی پیش از امضای قرارداد به دولتمردان ایران می‌رسید، کمتر کسی نسبت به آن واکنش صریح و جدی نشان داد. در این زمان، دولت مشروطه با مجلس نوپا در کشاکش امور داخلی مشغول برنامه‌ریزی برای حل مشکلات کشور بودند

---

<sup>۱</sup>. C. Spring Rice.

و از سوی دیگر، مرزهای ایران شاهد یورش سپاه عثمانی بود و این دو مورد شاید از عوامل مهم کم‌توجهی آنها در پیگیری مجدانه مسئله قرارداد ۱۹۰۷ م. بود. با توجه به مشروح مذاکرات مجلس اول شورای ملی، موضوع این قرارداد چندین بار از سوی نمایندگان مطرح شد و در این مورد میرزا ابوالحسن خان شیرازی، نماینده شیراز گویی بیش از دیگر مجلسیان به اهمیت مسئله توجه داشت. حتی نمایندگان تندرو و سخنوری همچون حسن تقی‌زاده نیز با کم‌توجهی از کنار آن گذشت. او سال‌ها بعد، هنگامی که در جنگ جهانی اول به برلن رفته بود، به سیاست‌های استعمارگرایانه روسیه و انگلیس اعتراض کرد. (مورخ الدوله سپهر، ۱۳۴۱: ۸۸)

مشروح مذاکرات مجلس اول در جلسه ۲۶ شعبان ۱۳۲۵ گویای واکنش هر یک از نمایندگان به این قرارداد است. در این جلسه، نامه سفارت انگلیس در تهران درباره قرارداد و مفاد آن برای حضار خوانده شد. هر یک از نمایندگان دیدگاه خود را ارائه دادند و کمتر کسی به دیده تحلیل بدان نگریست و سوءظن کمتر کسی برانگیخته شد. (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، ۱۳۲۵: ۳۳۵-۳۳۲)

از سوی دیگر، بنا بر اسناد وزارت امور خارجه تنها سه نفر از دولتمردان به قرارداد ۱۹۰۷ م. واکنش منفی نشان دادند: میرزا مهدی خان علایی وزیرمختار ایران در لندن،<sup>۱</sup> مرتضی خان ممتازالملک وزیرمختار ایران در امریکا و میرزا ملکم خان وزیرمختار ایران در رم که شخص اخیر ضمن نامه‌ای انتقادی، استعفای خود را از وزارت خارجه خواستار شد و چنین اظهار داشت که:

قرارداد تقسیم ایران فی‌مابین روس و انگلیس درهای تأسف را به روی بنده باز کرد ... حالا که پهلوانان خرابی ایران از برای ما دیگر هیچ احتیاجی به سفارت باقی نگذاشته‌اند، از محبت کریمانه جنابعالی استدعا می‌نمایم با اجازه بندگان اقدس همایون شاهنشاه، این وجود نابود را از قیودات این سفارت هر چه زودتر آزاد فرمایند. (آرشیو وزارت امور خارجه ۱۳۲۵ - ۲-۵۱ ق.)

<sup>۱</sup> ططری و همکارش، سه نامه از میرزا مهدی خان علایی را در مجموعه اسناد قرارداد ۱۹۰۷ م. درج کرده‌اند که بیانگر نگرش انتقادی او به آن قرارداد است. (برای آگاهی بیشتر نک: ططری و حسن‌نیا، قرارداد ۱۹۰۷ م. به روایت اسناد وزارت امور خارجه، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۵۷)

## قرارداد ۱۹۰۷ میلادی استعمار یا استقلال ۱۳۳

هر چند در آرشیو وزارت امور خارجه، نامه‌هایی از آن وزارتخانه به سفارت ایران در لندن مبنی بر پیگیری درباره قرارداد موجود است، اما این کنکاش حتی "نوشداروی پس از مرگ" هم نبود، چون هیچ ممانعتی در اجرای قرارداد ایجاد نکرد.

### نتیجه گیری

#### – پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷م. در امور داخلی و خارجی ایران

قرارداد ۱۹۰۷م. اثرات ماندگاری بر اوضاع داخلی و سیاست خارجی ایران داشت. مهم‌ترین تأثیر آن را با توجه به شرایط بحرانی و انقلابی ایران، می‌توان در سرنوشت مشروطه اول دید. انگلیس که پیش از انعقاد قرارداد، سیاست حمایت از مشروطه‌خواهان را پی می‌گرفت. پس از اتحاد با روسیه - که از مخالفان و موانع عمده انعقاد استقرار نظام مشروطیت در ایران به شمار می‌رفت- با سیاست‌های روسیه در برابر مشروطه‌خواهان هم سو شد و در سرکوبی مشروطیت نوپای ایران دست روسیه را باز گذاشت که توپ بستن مجلس اول نقطه اوج آن بود. مناطق نفوذ روسیه در ایران همانا مراکز مهم تدوین اندیشه مشروطه‌خواهی ایرانیان را دربر می‌گرفت؛ تبریز و رشت زیر نفوذ روسیه قرار گرفت و روس‌ها سیاست سرکوبی مستمر مشروطه‌خواهان را در این مناطق به شدت اعمال کردند. به دار آویختن مشروطه‌خواهان تبریز در سال ۱۹۱۱م. مهم‌ترین نمونه از عملکرد روس‌ها در منطقه نفوذشان بود. اولتیماتوم روسیه در اخراج مورگان شوستر، مستشار آمریکایی که در خدمت مالیه دولت ایران بود، (شوستر، ۱۳۵۱) تعطیل شدن مجلس دوم که باز در پی اولتیماتوم روس‌ها به بهانه پاسبانی از جان و مال اتباع خود انجام پذیرفت (اتحادیه، ۱۳۷۵) و توپ بستن گنبد بارگاه امام علی بن موسی الرضا(ع) در ۱۰ فروردین ۱۲۹۱ (خان ملک ساسانی، ۱۳۵۴: ۷۱-۶۸) از جمله پیامدهای قرارداد ۱۹۰۷م. در داخل ایران بود. پیامدهایی که حتی به تزلزل پایه‌های سلطنت قاجارها انجامید و مشروعیت آنها را در تسلط بر ارکان قدرت ایران به چالش کشانید.

اما قرارداد ۱۹۰۷م. در عرصه سیاست خارجی و روابط دیپلماسی ایران تأثیرات مخربی داشت. دولتمردان وابسته به دو دولت (انگلو فیل‌ها و روسوفیل‌ها) بیش از پیش در سایه‌سار وابستگی قرار گرفتند و این مسئله در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی نقش بسیار مؤثری داشت. آنها بیش از آنکه به منافع کشور بیندیشند در طمع جاه و مال به خدمتگزاری هر چه بیشتر به یکی از دو قدرت استعماری تن می‌دادند. حضور نظامیان روس از جمله در رشت، تبریز و قزوین، اخذ وام‌هایی که در این زمان تنها از روسیه و

انگلیس مجاز بود، استخدام مستشاران خارجی طبق نظر دو دولت متحد قرارداد و اخراج مستشاران غیر روسی و انگلیسی از ایران - که جریان اولتیماتوم روسیه در برکناری مورگان شوستر قابل توجه‌ترین آن به شمار می‌رفت - به‌ویژه در خلال جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، نیروهای عثمانی از مرزهای غربی وارد خاک ایران شدند و در اثر ناتوانی نظامی ایران، انگلیسی‌ها و روس‌ها با افزایش شمار نظامیان خود در این مناطق، در عمل استقلال کشور را به زیر سؤال بردند و ایران بخشی از صحنه کشمکش بین‌المللی گردید.

سفرنامه هیونچول هیورگسن<sup>۱</sup> وزیرمختار انگلیس در ایران، بین سال‌های ۱۹۳۶ - ۱۹۳۵م. آینه‌ای تمام‌نما از اثرات قرارداد ۱۹۰۷م. در روابط ایران و انگلیس و بیانگر دیدگاه جامعه ایران به پیامدهای این قرارداد است. او در فرازی از سفرنامه خود می‌نویسد:

در موقع انتصابم، روابط بین بریتانیا و ایران صورتی نامطلوب و متزلزل داشت. معاهده کرزن در مردم تأثیر بد بخشیده بود. همه، پیمان ۱۹۰۷م. را بر رخ ما می‌کشیدند که قصد تقسیم یا محو استقلال ایران را داشته‌ایم ... [ایرانیان] لغزشی کوچک را دلیل بر هتک حیثیت محسوب می‌داشتند و گمان می‌کردند که ما هنوز به افکار استعماری قرن ۱۹ پایبندیم و حاضر نیستیم که ایرانیان را هم‌طراز خویش بدانیم. (طبری، ۳۳۵:۱۳۷۸)

سایه سنگین پیامدهای داخلی و خارجی قرارداد ۱۹۰۷م. همچنان بر سر ایران بود تا آنکه در پی انقلاب بلشویکی روسیه در ۱۹۱۷م. و ارسال پیام تروتسکی<sup>۲</sup> به وزارت امور خارجه مبنی بر لغو این قرارداد و نیز الغای هر قرارداد و معاهده‌ای میان حکومت تزاری با ایران از میان رفت، (همان: ۲۵۱-۲۴۹) اما قرارداد ۱۹۰۷م. به عنوان خاطره‌ای تلخ و گزنده از سیاست زورمدارانه قدرت‌های بزرگ زمانه در ایران در ذهن ایرانیان باقی ماند. خاطره‌ای که هر سفیر و نماینده‌ای که از سوی آنها و یا دیگر دولت‌های خارجی به ایران می‌آمد، وجود آن را در پس‌زمینه ذهن ایرانیان درمی‌یافت و چنان‌که پیش از این نوشته‌ای از هیورگسن آمد، همه گویای سوءظنی است که نسبت به روسیه و انگلیس وارد شد.<sup>۳</sup>

۱. H. Hiurgsen.

۲. Trotsky.

۳. از نویسندگان تاریخ مشروطیت ایران، محمدعلی تهرانی (کاتوزیان) است که به موضوع قرارداد ۱۹۰۷م. توجه داشته است. او در کتاب خود پس از شرح زمینه‌ها و چگونگی امضای این قرارداد به تأثیر منفی سیاست‌های



## منابع و مأخذ

- اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره (۱۳۷۵) مجلس و انتخابات؛ از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- آوری، پیتر (۱۳۶۹) تاریخ معاصر ایران، ج ۱، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- ترکچی، فاطمه، واکنش آلمان به انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ م با تکیه بر اسناد (در مجموعه مقالات همایش ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم، ۱۳۸۸)، تهران: خانه کتاب.
- تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی (۱۳۷۹) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، با مقدمه: ناصر کاتوزیان، تهران: سهامی انتشار.
- خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۵۴) دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران: بابک.
- روزول پالمر، رابرت (۱۳۴۰) تاریخ جهان نو، ج ۲، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران: امیرکبیر.
- سپهر، مورخ‌الدوله (۱۳۴۱) مقالات سیاسی، به کوشش: احمد سمیعی، تهران: عطایی.
- ططری، علی و محمد حسن‌نیا (۱۳۸۸-۱۳۸۷) قرارداد ۱۹۰۷ م. به روایت اسناد وزارت امور خارجه ایران، ج ۱ و ۲، تهران: خانه کتاب.
- قادری، منیر (۱۳۸۸) مجموعه مقالات همایش "ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم"، زیر نظر: داریوش رحمانیان، تهران: خانه کتاب.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۵۴) روس و انگلیس در ایران (۱۹۱۴-۱۸۶۴ م.)، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: جیبی.
- کرزن، جرج. ن (۱۳۵۰) ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمود، محمود (۱۳۶۲) تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج ۸، تهران: اقبال.
- میراحمدی، مریم (۱۳۸۷) پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، تهران: آستان قدس رضوی.
- ناظم، حسین (۱۳۸۰) روس و انگلیس در ایران، ترجمه: فرامرز محمدپور، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۴۹) تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
- وحید مازندرانی، ع (۱۳۲۸) قرارداد ۱۹۰۷ م. روس و انگلیس راجع به ایران، تهران: کتابخانه سقراط.